انترناسیونال ٧٣٣

**پیام مینا احدی به مناسبت ١٠ اکتبر روز جهانی علیه اعدام**

بسیار به من میگفتند، با کمی فاصله باید کار کنی، مثل یک دکتر که وقتی به خانه میرسد، نگرانیها و ناراحتی های مبتلا شدن مریض اش به سرطان و یا از دست رفتن یک جوان بر اثر سکته قلبی را فراموش کرده و زندگی کند.

باید اعتراف کنم نتوانستم چنین کنم. در مورد مبارزه علیه اعدام و جایگاه اعدام در دنیا و برای حکومتهای دیکتاتور میتوان نوشت و ابعاد مختلف این جنایت شنیع و این لکه ننگ بر دامن بشریت را تشریح کرد، میتوان سالهای سال فعالیت کرد و هر بار گزارشی از اعدامها در ایران بازپخش کرد و هر بار گفت و نوشت و حرف زد که باید اعدام ممنوع شود، میتوان با فاصله کار کرد و ادامه داد... من نتوانستم چرا که در این دنیا، دنیای محکومین به اعدام با انسانهایی آشنا شدم که روح اشان مثل آئینه پاک بود، در این دنیای محکومین به اعدام زوایای پنهان و پیچیده جامعه ای را شناختم که پر از بی عدالتی و چرک و جنون بود. در این دنیای محکومین به اعدام فرق نمیکرد در آمریکا و یا پاکستان و یا ایران، سیستمی را شناختم که با بیرحمی و اساسا بر علیه فقرا و بی امکانات ها بود. سیستمی که در نهایت و در عمق خود بسیار غیر انسانی و بیرحم بود، من در این دنیا وارد شدم به همراه محکومین به اعدام نفس کشیدم و لحظاتی و فقط لحظاتی از این اسیر بودن و بسته بودن دست و پایم را در چنبره قوانین و قضات بیرحم و بیشرم و بویژه سیستم مبتنی بر شریعت اسلام را تجربه کردم که بعدها و بتدریج ، بوی این فضا حالم را بهم میزد. زیر زمین های نموری که در زندانهای ایران مشتی ریش و پشم دار اسلامی وقیح در آنجا دوندگی میکردند و هیچ شرمی نداشتند که پرونده بسازند، بویژه زنان و کودکان زیر سن را به اعدام محکوم کنند و اوج بیشرمی و زیر پا گذاشتن همه ذره های انسانیت را جلوی چشم من و خانواده های محکومین به اعدام بگیرند. اگر کسی میخواهد جمهوی اسلامی ایران و دول شبیه به این حکومت از جمله چین و عربستان و پاکستان و غیره را بشناسد، باید سری به این زیرزمین ها بزند.

من در این دنیا همانطور که گفتم مادر کبری رحمانپورها را هم شناختم، زحمتکش ترین هایی که عزت نفس داشتند و همواره در بدترین شرایط رعایت حال دیگران را میکردند.

من در این دنیا زانیار مرادی را شناختم که چند سال است با او حرف نمیزنم چرا که بیش از حد و اندازه او را همچون فرزندم دوست دارم و نمیخواهم اتفاقی که برای ریحانه افتاد، تکرار شود و قدرت زانوانم بیش از اینها از بین برود.

من در این زیر زمین ها ریحانه را شناختم که هنوز باید دنیا در مورد او بداند و بفهمد. و من معتقدم دنیا اینرا خواهد دید و درک خواهد کرد. دختری خوش فکر و انسان به تمام معنی، دختری که برای همه، رفاه و آزادی و امنیت و خوشبختی میخواست و اسیرزالوهایی شد که در این زیرزمین های نمناک برای سر پا نگاه داشتن حکومت اشان وقاحت را به اوج رسانده و روح جوانانی مثل ریحانه را همچون خوره میجوند و هدفشان از بین بردن اعتقاد این جوانان به انسانیت و جامعه انسانی است. ریحانه را در اکتبر اعدام کردند ماه اعتراض جهانی به اعدامها در همه جا!

من در این زیرزمین ها همجنسگرایانی را دیدم که فقط بدلیل عشق به همجنس پای چوبه دار رفتند و دنیایی را دیدم که در آن صدها جوان بدلیل اعتیاد و یا فروش دو گرم هرویین برای اینکه در وانفسای بیکاری درآمدی داشته باشند، سالها همچون " هیچ بودگان" در سیاه چالها ماندند و جهنم را به معنای واقعی کلمه تجربه کردند. و حکومت هر وقت لازم داشت چند نفر از این جوانان را اعدام کرد.

این دنیای زیرزمینی ، یک ستون بسیار مهم دوام و بقا این جانیان وقیح اسلامی است از روحانی و خاتمی با لبخند کریهی بر لب و مدافع اعدام و بیرحم مطلق گرفته تا خامنه ای و سپاه و وزارت اطلاعاتی های کثافت که هر کس به دام آنها افتاد میداند از چه حرف میزنم، همه و همه راه نفس کشیدنشان به این زیر زمین ها بند است. از آنجا است که قدر قدرتی میکنند در آنجا است که میکوشند اراده پولادین محمد جراحی ها و شاهرخ ها و کمانگرها و ستارها و سهیل عربی ها را در هم بشکنند. در آنجا است که میکوشند جوانانی همچون ریحانه را که با مقاومت و دفاع اشان از اصول انسانی، عملا این سیستم را شکست میدهند، بگویند هستیم و درجه حیوان صفتی مان را بالا میبریم.

این سیستم حکومتی، اسلام در قدرت، جنبش اسلامی در همه عرصه ها عملا از مردم شکست خورده است. در زمینه مقابله با اعدام هم مردم پیشروی های زیادی کرده اند اما این سنگری است که شاید چند روز مانده به سرنگونی حکومت، کاملا در هم بشکند. فعلا تعدادی از اعدام دفاع میکنند و با هر جنایت و یا تجاوزی در جامعه به کودکان و یا زنان، حکومت یک متهم را در وسط خیابان به دار میکشد و ظاهرا وظیفه حکومتی ها تمام میشود وباز ظاهرا تعدادی و یا وجدان عمومی چند نفر راضی میشود.

نه، ما موظفیم، جامعه ایران موظف است در همه این سطوح افشاگری و آگاهگری کند و در همه این زمینه ها پاسخ درخور به حکومتی ها و وزارت اطلاعاتی های انسانکش بدهد.

هنوز در مبارزه علیه اعدام راه طولانی در پیش داریم، باید بیش از اینها فعالیت کرد، باید نوشت و نقد کرد و در عین حال از نظر من باید با قلب و احساس به جنگ این فاجعه انسانی رفت. چرا که با اعدام هر یک نفرقلب انسانیت نشانه میرود.